

بالاخره پوتین فشار بوش را بالا برد

(رستاخیز)



جنگ سرد میان شوروی و آمریکا یک امر ساده و بدون پیچیدگی بود و توان نظامی دو طرف به دلیل توانایی تخریب یکسان دو جانبه متعادل شده بود. دو طرف با یکدیگر مشاجره می‌کردند همدیگر را می‌ترساندند و برای یکدیگر افسانه می‌ساختند. تاد لفکو، تحلیلگر پایگاه اینترنتی مسکو نیوز پس از تنش‌های اخیر میان آمریکا و روسیه بر سر مسایل مختلف و بروز گمانه‌زنی‌ها در مورد بروز یک جنگ سرد جدید به تحلیل این موضوع پرداخته است. دنیا مناقشات سخت را پشت سر گذاشته است؛ مطمئن هستیم که روسیه و آمریکا عقلانی عمل می‌کنند. از حوادث و مناقشات سخت هراس داریم اما معتقدیم که گذر زمان بار دیگر باعث می‌شود این دو قدرت جهان بار دیگر با یکدیگر نزاع داشته باشند.

رقابت‌ها در امور نظامی، ایدئولوژی و سیاست‌ها است. فقط دو رقیب وجود دارد با کشورهایی که نقش حامی را ایفا می‌کنند. امروز مشکل جنگ سرد نیز ادامه دارد؛ سخنورهای تند، اقدامات تحریک‌آمیز، زیر سوال بردن اعمال و رفتار طرفین و تلاش برای به وجود آوردن بحث‌ها و نزاع‌های دیگر.

بیشتر شرکت‌کنندگان در این بحث‌ها به یکدیگر اعتماد ندارند. نزاع‌های سیاسی در انگلیس، فرانسه و آلمان به همراه تغییرات قریب‌الوقوع در روسیه و آمریکا این گفت‌وگوها و بحث‌ها را پیچیده می‌کند. اما این جنگ سرد جدید یک جنگ سرد متفاوت است. آمریکا پیشنهاد استقرار سپر دفاع راکتی را مطرح می‌کند به طوری که این پروژه دفاعی بیشتر ارزش سمبولیک دارد تا ارزش نظامی. آمریکا در تصویب عضویت روسیه در سازمان تجارت جهانی تاخیر می‌اندازد. رهبران جدید اروپا به جای رهبرانی که به دنبال روابط نزدیک با روسیه بودند، در عرصه‌ی قدرت حضور می‌یابند. اقدامات علیه اعضای جدید اروپا مانند ممنوعیت واردات گوشت‌هایی لهستان به روسیه توسط مسکو، تنش ایجاد شده میان روسیه و استونی به دلیل جابجایی بنای یادبود یک سرباز شوروی سابق و متوقف شدن تامین نفت لیتوانی توسط روسیه به موضوعاتی تبدیل شده است که اروپا و آمریکا را درگیر آن کرده است. در همین حال کشورهایی که زمانی به شوروی سابق تعلق داشتند از جمله گرجستان و اوکراین در مسیر پیوستن به سازمان‌های غربی قرار دارند.

اروپا مستقل باقی می‌ماند. اما وابستگی به حفاظت ارتش آمریکا علیه شوروی سابق جای خود را به وابستگی فزاینده به منافع انرژی دشمن سابقشان داده است. از سوی دیگر با رشد اتحادیه‌ی اروپا، واحد پول یورو، قدرت اقتصادی آلمان، شرکت‌های اروپایی و بازارهای مالی لندن، اروپا خود را به عنوان قدرتی معرفی کرده است که باید به آن احترام گذاشت. اروپا قصد ندارد وابسته باشد اما این موضوع را درک می‌کند که آینده‌ی اقتصاد یش به منابع انرژی روسیه وابسته است. در حال حاضر آلمان ۴۰ درصد از گاز مورد نیاز و ۳۰ درصد از نفت خود را از روسیه وارد می‌کند. به طوری که رقم واردات گاز آلمان از روسیه تا سال ۲۰۲۵ به ۶۰ درصد خواهد رسید. در حقیقت با این حال که روسیه به بازار اروپا نیاز دارد و اروپا نیز به همان مقدار به نفت و گاز روسیه نیازمند است اما این روسیه است که توانایی این موضوع را داشته تا نزاع‌ها و بحث‌ها را در دستانش قرار دهد. آنچه بیشتر اروپا را آزار می‌دهد درک این موضوع است هیچ پیشنهاد و چاره‌ای کامل که مورد استفاده در کوتاه مدت باشد وجود ندارد. اروپا فاقد اراده‌ی سیاسی برای توسعه‌ی سیاست‌های امور انرژی و یا سیستم‌های دفاعی است.

آمریکا به این موضوع پی برده است که واشنگتن نسبت به گذشته و در زمان جنگ سرد پیشین، در حال حاضر از قدرت کمتری برای رهبری در دنیا برخوردار است. آمریکایی‌ها به این موضوع پی برده‌اند که منزوی شده‌اند و به قدرتی تبدیل شده‌اند که قدرتشان در مسیر افول قرار دارد. حدود و توانایی اردوی آمریکا در حال حاضر در جنگ عراق و افغانستان به نمایش گذاشته شده است. آمریکا با وابستگی‌های فزاینده‌ای در امور واردات نفت، قرضه‌های فزاینده، کسر درآمد تجارت خارجی روبرو است اما این کشور بیشتر از نبود یک اراده‌ی سیاسی برای حفظ شرایط خود به عنوان یک ابر قدرت جهانی رنج می‌برد. چرا تغییری در فقدان توانایی آمریکا در پیش‌بینی اقدامات دیگر کشورها به وجود نیامده است؟ سال‌ها است که این موضوع بازتاب این اعتقاد آمریکا است که کشورهای دیگر فقط به سیاست‌های آمریکا عکس‌العمل نشان داده‌اند و نه آن‌ها را به وجود آورده‌اند. به نظر می‌رسد معماران سیاست آمریکا به دلیل نطق ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در اجلاس اخیر امنیتی مونیخ شگفت‌زده شده بودند، این درحالی است که پوتین پیشتر سیاست‌های آمریکا را با سیاست‌های رایش سوم مقایسه کرده بود. آمریکایی‌ها به سخنورهای تند علیه سیاست‌های واشنگتن از طرف هوگو چاوز، رئیس‌جمهور ونزوئلا و محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران عادت کرده بودند اما انتظار سخنورهای تند از طرف رئیس‌جمهور روسیه را نداشته‌اند.

دیگر تغییرات مهم و چشمگیر، نقش و هویت مسکو به عنوان یک نیروی پویای جهانی است. رشد قاطعیت روسیه منعکس‌کننده‌ی تزریق یک اعتماد به نفس جدید به این کشور است. دوران قربانی شدن به پایان رسیده است و نقش این کشور (روسیه) به عنوان یک رهبر جهانی می‌تواند دست یافتنی باشد. احساس این موضوع که روسیه نه متعلق به شرق و نه متعلق به غرب است بلکه یک کشور خاص است بار دیگر به میان زبان‌ها افتاده است. براساس نظرسنجی اخیر مرکز اتحادیه‌ی اروپا - روسیه مشخص شده است که روس‌ها در حال حاضر خود را جدا از اروپا می‌پندارند.

بیش از نیمی از افرادی که در این نظرسنجی شرکت کرده‌اند معتقدند که اتحادیه‌ی اروپا یک تهدید جدی به حساب می‌آید، این در حالی است که هفتادویک درصد نیز خود را جدای اروپایی‌ها می‌دانند. آنچه غرب را هراسان کرده است ملی شدن منابع و اقتصاد در اقدامات مسکو است.

از سوی دیگر وابستگی فزاینده‌ی دیگر کشورها در امور نفت و انرژی به روسیه؛ افزایش کنترل کرملین بر ذخایر امور انرژی آسیای میانه، تغییرات در سخنورهای سیاسی میان اتحادیه‌ی اروپا، آمریکا و کرملین باعث شده تا غرب توانایی کنترل و پیش‌بینی اقدامات مسکو را نداشته باشد.

طی جنگ سرد این حقیقت مشخص شد که اختلافات نیازمند یکسری راه‌حل‌ها و توافق‌ها می‌باشد. با افزایش استقلال ملی امور در روسیه، تغییر رهبری‌ها در غرب و افزایش سطح سخنوری‌های تند و خشن امیدها به یافتن راه‌حل‌ها و توافق‌ها سخت‌تر شده است.

روزنامه آمریکایی نیویارک تایمز، در سرمقاله خود با اشاره به اظهارات رییس جمهوری روسیه مبنی بر اینکه واشنگتن می‌تواند سیستم دفاع راکتی خود را در آذربایجان، ترکیه و یا حتی عراق مستقر کند، نوشته است که این اظهارات نشان می‌دهد که جنگ سرد هنوز خاتمه نیافته است. ولادیمیر پوتین بار دیگر اثبات کرد که بازیگر ماهری است و با خواندن دست جرج بوش، پیشنهاد کرد که او سیستم دفاع راکتی خود را در ایستگاه راداری آذربایجان، یا ترکیه و حتی عراق مستقر کند. این درحالی است که برغم بی‌صبری بوش، هنوز وقت زیادی در اختیار داریم، زیرا سیستم سپر دفاع راکتی آمریکا و راکت‌های ایرانی که قرار است مه‌ار شوند، سالها تا عملیاتی شدن فاصله دارند. جلسه آشتی کنان این دو رییس جمهوری نباید باعث پاك شدن تهدیدهای قبلی مسکو شود. روسیه تهدید کرده بود که در صورت استقرار سیستم راکتی آمریکا در لهستان و جمهوری چک، راکت‌های خود را علیه اروپای غربی نشانه خواهد رفت. محاسبات پوتین درست به نظر نمی‌رسد، زیرا ۱۰ راکت ساده رهگیر، هیچ تهدیدی علیه هزاران سلاح پیچیده موجود در زرادخانه هسته‌ای روسیه تلقی نمی‌شود، بنابراین اگر شما مظنون هستید که پوتین سعی کرده توجه‌ها را از گناه‌های متعدد خود دور سازد، احتمالاً کاملاً درست حدس زده‌اید. در عین حال، ژست پوتین یادآوری مهمی است که نشان می‌دهد هنوز چه اندازه از کثیف‌ترین مسایل جنگ سرد به پایان نرسیده است. نزدیک به دو دهه پس از فرو ریختن دیوار برلین، آمریکا و روسیه در مجموع نزدیک به ۲۵ هزار سلاح هسته‌ای در اختیار دارند، که شش هزار مورد از آنها تسلیحات دور برد هستند، که استقرار یافته و برای فیر آماده هستند. قرار است که دو طرف تا سال ۲۰۱۲ تعداد تسلیحات استقرار یافته خود را به حدود دو هزار راکت کاهش دهند، ولی بر اساس شرایط معاهده مسکو که در سال ۲۰۰۲ به امضا رسید، هیچ محدودیتی در مورد تسلیحاتی که می‌توانند در انبارهای خود نگاه دارند، وجود ندارد.

جرج بوش هیچگاه خواستار يك توافقنامه لازم‌الاجرا نبود، در حقیقت محدودیت‌های معاهده مسکو در همان روزی که وارد عمل می‌شود، باطل می‌شوند. از سال ۲۰۰۲ تاکنون نیز بخاطر بوش هیچ مذاکرات جدی در مورد کاهش بیشتر تسلیحات برگزار نشده است. رییس جمهوری آمریکا و دستیارانش، هر کسی را که خواستار توافقنامه‌های جدید با روسها باشد، مورد تمسخر قرار خواهند داد.

این گرایش مشکلات بسیار زیادی دارد که تشخیص اینکه از کجا شروع کنیم، بسیار دشوار خواهد بود. رفتارهای پوتین، نخست باید این مساله را یاد آور شود که دوستی درگذراست. خطرات مربوط به فیر تصادفی یا ربودن چنین زرادخانه‌های بسیار بزرگی، همانند کابوس است، ولی بار دیگر این مشکل وجود دارد که می‌گوید آنگونه که می‌گوییم، عمل کن، نه آنگونه که عمل می‌کنم. اگر بوش همزمان با مقابله با انگیزه‌های هسته‌ای ایران و کوریای شمالی، جلوی خلع سلاح هسته‌ای آمریکا و روسیه را نمی‌گرفت و این خلع سلاح را تسریع می‌کرد، از اعتبار بیشتری برخوردار می‌شد. بوش، پوتین را دعوت کرده تا در منزل خانوادگی او حضور یابد و ما امیدواریم که در این زمان بوش پدر نیز حضور داشته باشد، زیرا شاید او بتواند پسر خود را متقاعد سازد تا کار ناتمام از بین بردن هزاران سلاح هسته‌ای را بار دیگر در راس برنامه کاری خود قرار دهد.

منابع مورد استفاده: نووستی و سرویسهای خبری .

www.esalat.org